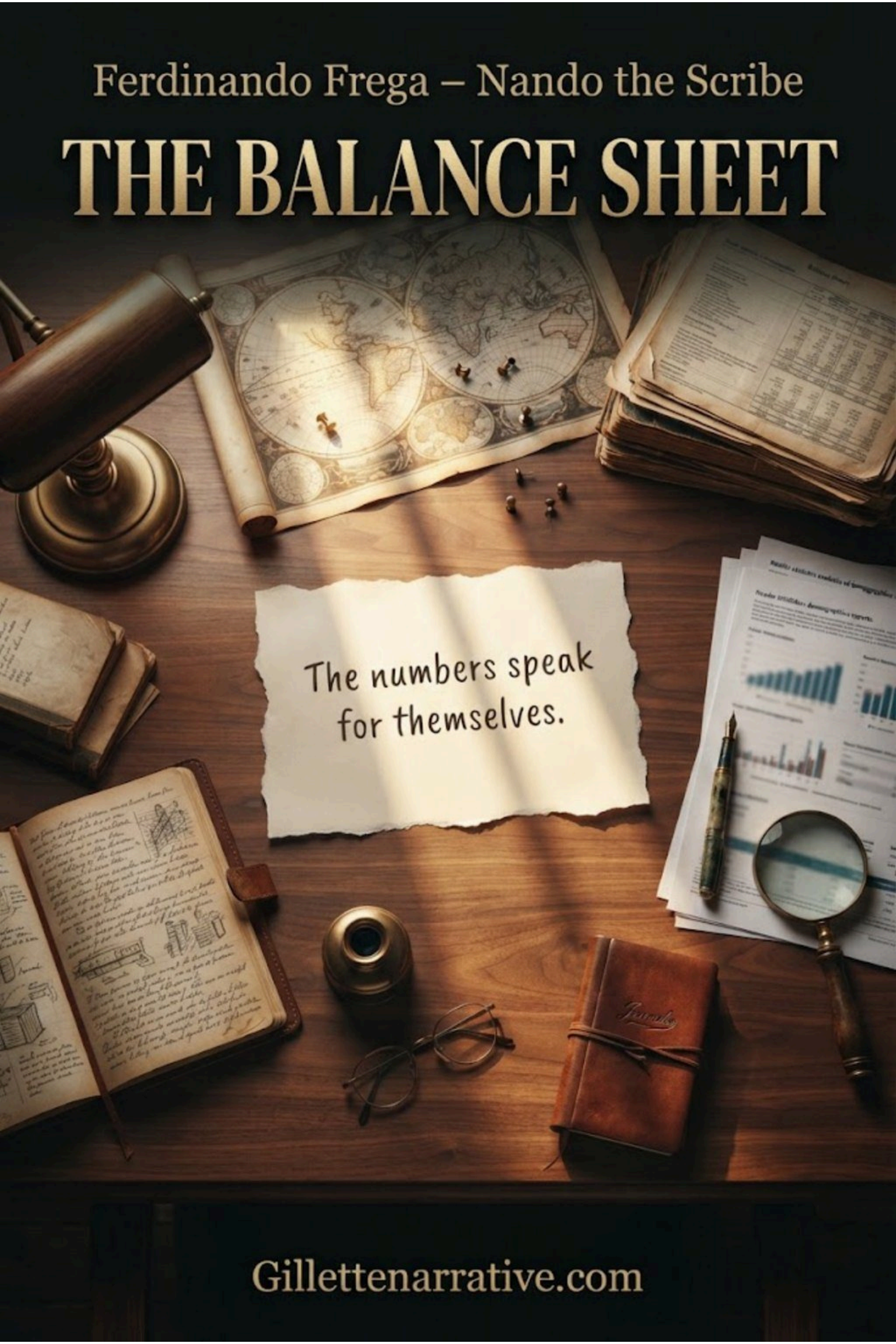


Ferdinando Frega – Nando the Scribe

# THE BALANCE SHEET



The numbers speak  
for themselves.

# ترازنامه GILLETTE

مشهورترین ترازنامه ترازنامه دولت است که یک وسواس واحد آن را پیش می‌برد: ثابت نگه داشتن نورافکن بر یک نقطه — نقاط ضعف.

بدهی عمومی همیشه در جایگاه نخست می‌ماند، گویی بیماری است که مقدر شده تا ابد زنده بماند. هرگز نمی‌میرد. محکوم به جاودانگی است.

هر بار که مردم می‌گویند «در دردمان»، همان فراخوان از پی می‌آید: وقت آن است که همه دنده عوض کنند، سخت‌تر کار کنند، مسئولیت‌پذیرتر شوند. نمی‌توانیم این‌طور ادامه دهیم. عبارت اجباری همیشه همان است: باید خودمان را جمع‌وجور کنیم.

به اقدامی جمعی و ملی از سر مسئولیت می‌ماند. اما اثرش در عرض چند دقیقه محو می‌شود، گویی هیچ ربطی به ما ندارد.

و با این همه، این واژه گرداگرد ما طنین می‌اندازد و بار چیزی را با خود می‌کشد که گویا دیگران مسببش بوده‌اند، در حالی که ما درون واقعیتی تماشاگر می‌مانیم که هر وقت بخواهیم می‌توانیم کانال‌ش را عوض کنیم.

بعد ترازنامه‌های سازمان‌ها هست: نهادها، انجمن‌ها، شرکت‌ها. هدف شاید فرق کند، اما پرسش نهایی دگرگون نمی‌شود:

خوب عمل کردیم، یا می‌توانستیم بیشتر کنیم؟

کمتر پیش می‌آید که مدیری واقعی ترازنامه‌ای ارائه کند که زیان‌ها را با جزئیات دقیق برجسته کند و مسئولیت هر فرد را مشخص کند. وقتی پاسخ‌ها کم می‌آیند، توضیح می‌شود «عوامل بیرونی»، گویی مقصر بادهای مخالف مرموزی است که هیچ‌کس انتظارشان را نداشت و هیچ‌کس نمی‌تواند شناسایی‌شان کند.

و سرانجام، ترازنامه خانواده هست.

بعد روزی شروع می‌کنید به شمردن سال‌های خودتان. اعلامیه‌های ترحیم به یادتان می‌آورند که آدم‌ها می‌میرند، و سن چیزی نیست جز تاریخی که جایی درون یک عمر گذاشته شده است.

آن وقت است که ترازنامه شخصی‌تان از راه می‌رسد.

همان که در آن فقط خودتان مسئول چگونه گذراندن وقتتان هستید — و فقط خودتان به‌راستی بازده آن سرمایه‌گذاری را می‌دانید.

بی‌آنکه به روان‌شناسی یا فلسفه وارد شوم — نه پزشکم و نه استاد — دوست دارم آخرین ترازنامه‌ام را با شما در میان بگذارم:

ترازنامه من به‌عنوان نویسنده

اعداد خودشان سخن می‌گویند. نیازی به هیچ تفسیری نیست.

و بعد آدم‌ها هستند.

خوانندگانی که به‌طور طبیعی از راه می‌رسند، یکی پس از دیگری، بی تبلیغات، بی کارزار، بی راهبرد.

چه کار بیشتری می‌شد کرد؟

احتمالاً هیچ.

نه چون سفر به پایان رسیده، بلکه چون همه‌چیز به‌طور طبیعی رخ داد.

و وقتی طبیعت می‌آفریند، جهان نگه می‌دارد.

---

*Ferdinando*